



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

دانشکده مهندسی: رشته کشاورزی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد ( MSc )

گرایش: اقتصاد

عنوان:

**بررسی اثرات کاهش یارانه انرژی بر تولید و تقاضای مرغ : مطالعه  
موردی استان فارس**

استاد راهنما:

پروفسور بهاء الدین نجفی

استاد مشاور:

دکتر سید نعمت اله موسوی

نگارش:

نجمه رستمی

زمستان ۱۳۹۰





## صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد ( MSc )

نام و نام خانوادگی دانشجو: نجمه رستمی  
کشاورزی

در تاریخ ۹۰/۱۱/۲۹

رشته: اقتصاد

از پایان نامه خود با عنوان:

بررسی اثرات کاهش یارانه انرژی بر تولید و تقاضای مرغ

با درجه MSc و نمره ۱۷/۶ دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داورى

سمت امضاء اعضای هیات داورى

۱- پروفیسور بهاءالدین نجفی

استاد راهنما

۲- دکتر سید نعمت اله موسوی

استاد مشاور

۳- دکتر ذکریا فرج زاده

استاد داور

۴- موارد فوق مورد تایید است

مدیر پژوهش

تقدیم به مادر عزیزم

## **سپاسگذاری:**

ابتدا از زحمات استاد راهنما، جناب پروفسور نجفی تشکرات لازم را بجا می آورم. همچنین از استاد مشاور، جناب دکتر موسوی که من را در این راه راهنمایی نموده و از تجربیات خویش در اختیار من قرار دادند تشکر می کنم. همین طور از مادر عزیزم که من را در این راه همراهی کردند و نیز از جناب آقای دکتر طراز کار سپاسگذاری می کنم.

## چکیده:

در این مطالعه به بررسی اثرات کاهش یارانه انرژی بر سود و تقاضای نهاده ها در واحدهای مرغداری ، عرضه و تقاضای مرغ پرداخته شده است. داده ها ، ارقام و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از مصاحبه حضوری، و تکمیل پرسشنامه از مرغداران استان فارس بدست آمده است. داده های مورد نیاز برای و نشریه های (FAO) تخمین تابع عرضه و تقاضای مرغ از پایگاه آماری سازمان خواربار و کشاورزی مختلف بانک مرکزی برای دوره زمانی ۸۸-۱۳۵۰ جمع آوری گردیده است. در راستای اهداف مطالعه از تابع سود ترانسلوگ و تابع تولید کاب-داگلاس و همچنین بمنظور تخمین اثر افزایش قیمت مرغ بر عرضه از برآورد همزمان تابع عرضه و تقاضا و داده های سری زمانی استفاده تقاضای مصرف کننده کردیم. نتایج مطالعه نشان می دهد که کاهش یارانه انرژی و افزایش قیمت گازوئیل موجب افزایش هزینه و کاهش سود مرغداران شده است. نتایج بررسی نشان می دهد که تقاضای نهاده ها و نیز تولید با کاهش یارانه انرژی، کاهش پیدا کرده است. برآورد تابع تقاضای مصرف و عرضه مرغ نشان می دهد که ده درصد افزایش قیمت مرغ موجب کاهش تقاضای مرغ و افزایش عرضه به ترتیب به میزان ۱ و ۹ درصد می گردد.

## فهرست مطالب

فصل اول .....	۱
مقدمه .....	۱
اهداف .....	۷
مروری بر مطالعات .....	۷
فصل دوم.....	۱۴
روش تحقیق.....	۱۴
برآورد تابع تقاضای نهاده .....	۱۷
برآورد کشش ها .....	۱۸
برآورد تابع تولید .....	۱۹
برآورد تابع تقاضا و عرضه .....	۲۱
فصل سوم.....	۲۳
نتایج و بحث .....	۲۳
نتایج حاصل از برآورد تابع تقاضای نهاده.....	۲۳
نتایج حاصل از برآورد کششهای خود قیمتی و متقاطع .....	۲۵

نتایج حاصل از برآورد تابع تولید کاب-داگ لاس ..... ۲۶

نتایج حاصل از برآورد تابع عرضه و تقاضا ..... ۲۹

نتیجه‌گیری و پیشنهادات ..... ۳۱

منابع ..... ۳۳

چکیده انگلیسی ..... ۳۶



## فهرست جداول

جدول (۱-۳) نتایج حاصل از برآورد تابع تقاضای نهاده..... ۲۴

جدول (۲-۳) نتایج حاصل از برآورد کششهای خود قیمتی و متقاطع..... ۲۵

جدول (۳-۳) سناریوی کاهش یارانه در تابع تقاضای نهاده..... ۲۶

جدول (۴-۳) نتایج حاصل از برآورد تابع تولید کاب-داگ لاس..... ۲۷

جدول (۵-۳) سناریوی کاهش یارانه در تابع تولید..... ۲۸

جدول (۶-۳) نتایج حاصل از برآورد تابع تقاضا..... ۲۹

جدول (۶-۳) نتایج حاصل از برآورد تابع عرضه..... ۲۹

## فصل اول

### مقدمه:

در سالهای اخیر، تلاش در جهت استفاده ی بهتر از منابع انرژی مورد توجه دولت قرار گرفته و بخش کشاورزی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. افزون بر این، به دلیل ملاحظات زیست محیطی، کاهش استفاده از نهاده های خارج از مزرعه و بویژه انرژی مورد توجه قرار گرفته است. منبع عمده ی انرژی مصرفی در بخش کشاورزی، گازوئیل است و تا سال ۱۳۵۸، بیش از ۷۰ درصد آن بر گازوئیل تعلق داشته است. مصرف انرژی در دوره ی ۷۱-۱۳۴۶، همواره رو به افزایش بوده و پس از آن روندی نسبتاً ثابت داشته است. به طور میانگین، در دوره ی ۸۲-۱۳۴۶، مصرف انرژی در سال ۱۳۸۲، از معادل ۲/۸ میلیون بشکه نفت خام در سال ۱۳۴۶ به ۳۱/۶ میلیون بشکه نفت خام افزایش یافته که از رشدی معادل ۷ درصد برخوردار بوده است (بانک مرکزی ایران ۱۳۸۴).

یارانه یا سوبسید<sup>۱</sup> در اصطلاح اقتصادی عبارت است از هرگونه پرداخت مالی بلاعوض از محل خزانه ی دولت به صورت نقدی یا غیرنقدی که بمنظور حمایت از اقشار ضعیف و آسیب پذیر جامعه و بهبود در توزیع درآمدها، می تواند به دو طیف مصرف کنندگان و یا تولید کنندگان داخلی پرداخت گردد (حسینی و مالکی، ۱۳۸۴). روی هم رفته، در ادبیات اقتصادی اهداف پرداخت یارانه شامل: مقابله با تورم، حمایت از تولید و تولیدکننده، برقراری عدالت اجتماعی و بهبود در توزیع درآمدها عنوان می شود. از

---

<sup>1</sup> -Subsidy

سوی دیگر، از منظر اقتصادی، یارانه و مالیات دو ابزار مهم اقتصادی هستند که دولت به وسیله‌ی آن‌ها در بازار دخالت می‌کند. یارانه و مالیات می‌توانند با تغییر در قیمت‌های نسبی اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهند. از این رو، پرداخت غیر هدفمند یارانه‌ها با تحریف قیمت‌ها مانع تخصیص بهینه‌ی منابع شده و رشد اقتصادی را کاهش خواهند داد و از سوی دیگر، با ایجاد کسری بودجه، افزایش هزینه‌های اجتماعی و ایجاد انحراف در مسیر سرمایه‌گذاری‌های مولد، اثرات جدی و مهلکی بر اقتصاد ملی هر کشوری می‌گذارد. هم‌چنین، پرداخت غیر هدفمند یارانه با تاثیر بر نظام قیمت‌ها بر ترجیحات مصرف‌کننده نیز اثر گذاشته و از آن‌جایی که مصرف‌کننده قیمت واقعی کالای یارانه‌ای را پرداخت نمی‌کند، مصرف بهینه‌ی آن را نیز رعایت نخواهد کرد. این درحالیست که حذف کامل یارانه‌ها مانند پرداخت آن به طور عام، آثار اجتماعی و اقتصادی وخیمی به همراه دارد. از این رو، حذف کامل یارانه‌ها در اقتصاد توصیه نمی‌شود و بنابراین، باید شیوه‌ی پرداخت آن تغییر یافته و بهینه شود (وزارت بازرگانی، ۱۳۸۳).

روی هم رفته، یارانه‌ها می‌توانند به گونه‌ی مستقیم و یا غیرمستقیم به گروه‌های مورد نظر (هدف) پرداخت شوند. یارانه‌های مستقیم به آن گروه از پرداخت‌های انتقالی گفته می‌شود که به گونه‌ی مستقیم جهت حمایت از افراد مورد نظر به آن‌ها پرداخت می‌شود. انواع و اقسام کمک هزینه‌ها و کالا برگ‌ها (کوپن ارزاق) که در عمل طیفی گسترده از پوشش‌های یارانه‌ای را شامل می‌شوند، در گروه یارانه‌های مستقیم قرار می‌گیرند. یارانه‌های غیرمستقیم نیز بیش‌تر از راه پایین نگاه داشتن قیمت کالاها و خدمات مورد نظر به گروه‌های گوناگون اجتماعی یا اقتصادی انتقال می‌یابند، بدین صورت که دولت‌ها با پایین آوردن قیمت برخی از کالاها، مصرف‌کنندگان را در مصرف آن‌ها یاری می‌نمایند (کلانتری و رحیمی، ۱۳۸۵).

هم‌چنین، از لحاظ اقتصادی، یارانه‌ها به گونه‌ی عمده دو گروه بزرگ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در بر می‌گیرند. یارانه‌های تولیدی با هدف کاهش هزینه‌های تولید و حمایت از تولیدکنندگان پرداخت شده و شامل یارانه‌ی عوامل تولید و یارانه برای خریدهای تضمینی از سوی دولت می‌باشد.

یارانه‌های مصرفی نیز شامل پرداخت‌هایی است که جهت ایجاد و تعدیل در توزیع درآمدها، تعدیل آثار ناشی از فشارهای بازار و تصحیح الگوی مصرفی کشور به سمت تشویق مصرف کالاهای تولید داخل، به مصرف کنندگان پرداخت می‌گردد. از این رو، پرداخت مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش کالاهای اساسی و ضروری مورد نیاز جامعه و جبران زیانکرد کالاهای مورد حمایت دولت در این گروه قرار دارند (فقیه نصیری و همکاران، ۱۳۸۷).

باید گفت که پیشینه‌ی پرداخت یارانه در ایران به قحطی‌های ناشی از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. پس از انقلاب اسلامی نیز روند پرداخت یارانه شدت گرفت زیرا یکی از اهداف انقلاب حمایت از مستضعفان بود، به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۷ (آخرین سال حکومت شاه) کل مبلغ یارانه ۶۵/۸ میلیارد ریال بود و این رقم در سال ۱۳۸۸ به حدود ۹۰۰ هزار میلیارد ریال رسید (کجباف، ۱۳۸۸).

در چند سال اخیر مهم‌ترین بحث دولت و برخی از اقتصاددانان این است که این یارانه‌ها ناعادلانه توزیع می‌شوند و در راستای اهداف عدالت اجتماعی نه تنها درست عمل نکرده بلکه ناعدالتی را در کشور تشدید نموده‌اند، از این رو، مهم‌ترین زیر بخش طرح تحول بزرگ اقتصادی کشور، بحث هدفمند کردن یارانه‌ها می‌باشد. بررسی نظام یارانه‌ی کالاها و خدمات کشور نشان می‌دهد که پس از بخش سوخت و انرژی، بیش‌ترین یارانه‌ی پرداختی در کشور مربوط به نهاده‌های بخش کشاورزی و مواد غذایی می‌باشد (وزارت بازرگانی، ۱۳۸۷).

از این رو، تمرکز این پژوهش بر بحث هدفمند سازی یارانه‌های پرداختی به دو طیف مصرف-کنندگان و تولیدکنندگان محصولات کشاورزی معطوف می‌باشد. این در حالیست که برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، سهم عمده‌ی یارانه‌های پرداختی به بخش کشاورزی در کشور مربوط به یارانه‌های مصرفی (مواد غذایی) می‌باشد که این امر نیز به نوبه‌ی خود منجر به بروز مشکلاتی نظیر افزایش هزینه‌های دولت، ناکارایی و فساد نظام توزیع، افزایش ضایعات محصولات کشاورزی، ضعیف شدن کشاورزان،

کاهش بهره‌وری تولید، گسترش الگوی‌های نامناسب مصرف مواد غذایی، گسترش واردات محصولات کشاورزی و صدها مشکل دیگر شده است (امینی، ۱۳۸۸).

در ایران یارانه‌های تخصیص داده شده به تولیدکنندگان بخش کشاورزی بیش‌تر به نهاده‌های کود شیمیایی، بذر، نهال، سموم و واکسن‌ها، ماشین‌آلات (تراکتور، کمباین و خدمات هواپیمایی)، تسهیلات (بخشودن بخشی از تسهیلات، تخفیف‌ها و کاهش در نرخ سود و کارمزد تسهیلات بانکی)، خریدهای تضمینی، بیمه‌ی محصولات کشاورزی و پژوهش و آموزش پرداخت می‌شود (مهربانیان و موذنی، ۱۳۸۷).

هم‌چنین با سیری در وضعیت یارانه‌ی مواد غذایی در کشور مشخص می‌گردد که این یارانه هم اکنون بیش‌تر به صورت غیرمستقیم به محصولاتی شامل گندم و فرآورده‌های آن (آرد، نان) برنج، روغن، قند و شکر، شیر، پنیر و گوشت پرداخت می‌گردد (کریمی و همکاران، ۱۳۸۸).

بیش‌تر کشورهای یارانه‌ها را به صورت فراگیر انجام می‌دادند از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد به دلایل گوناگونی اقدام به هدفمند نمودن یارانه‌ها در بخش کشاورزی و مواد غذایی نموده‌اند. از این رو، توجه به تجربه‌ی برخی کشورها در زمینه‌ی هدفمند سازی یارانه‌های مواد غذایی نیز می‌تواند بسیار مثمر ثمر باشد. برای مثال، در کشور الجزایر غلات، شیر و شکر عمده‌ترین کالاهای یارانه‌ای بوده و به ترتیب ۳۵، ۳۸ و ۱۸ درصد منابع یارانه‌ای را به خود اختصاص می‌دادند. به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۱ یارانه‌ی مواد غذایی در کشور الجزایر نزدیک به ۵ درصد از *GDP* و ۱۷ درصد مخارج کل دولت را تشکیل می‌داد و از سوی دیگر، هدف‌گیری یارانه‌های مواد غذایی به سمت فقرا بسیار ضعیف بود.

از این رو، دولت الجزایر با اعمال سیاست هدفمند سازی یارانه‌ها توانست سهم گروه‌های هدف را از یارانه‌ی مواد غذایی بیش‌تر نموده و به طور میانگین، حدود ۲۷ درصد از کل مخارج دهک اول درآمدی را با دادن کالاهای یارانه‌ای به آن‌ها جبران نموده و این درحالیست که این رقم برای دهک بالایی کم‌تر از

۲ درصد شد (کجیاف، ۱۳۸۸). یارانه‌ی مواد غذایی در مصر شامل روغن، شکر، چای و نفت سفید بود که توزیع آن به عموم مردم از زمان جنگ جهانی دوم شروع شد. با اوج‌گیری هزینه‌های سنگین مالی یارانه‌ها بر دوش دولت و تشدید بدهی‌های خارجی، دولت مصر با حمایت صندوق بین‌المللی پول اقدام به اصلاح نظام یارانه‌ها در این کشور نمود. این کار با افزایش یکباره‌ی قیمت کالاهای یارانه‌ای شروع شد و در راستای اعمال این سیاست‌ها در سال ۱۹۹۲ سهم جمعیت زیر پوشش به ۸۶ درصد کاهش و این روند نزولی بعدها نیز تداوم یافت (وزارت بازرگانی، ۱۳۸۷).

دولت تونس نیز در سال ۱۹۷۰ پرداخت یارانه‌ی مواد غذایی شامل غلات، روغن، شکر و شیر را به گونه‌ی نامحدود و برای تمام مصرف‌کنندگان و زیر قیمت‌های بازار آغاز نمود. این نوع پرداخت یارانه بار مالی سنگینی بر دوش دولت تونس تحمیل کرد به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۹ حدود ۷۲ درصد از کل بودجه‌ی دولت و ۳ درصد از *GDP* به یارانه‌های پرداختی اختصاص یافته بود. از این رو، دولت برای بهبود اثر توزیعی یارانه‌ها مجبور شد سیستم‌های خود هدفگیری را اتخاذ نماید. بدین صورت که یارانه‌ها بیش‌تر به کالاهای پست که بیش‌تر فقرا مصرف می‌کنند، اعطا گردید (وزارت بازرگانی، ۱۳۸۷).

یارانه‌ی مواد غذایی در یمن نیز شامل گندم و آرد گندم بود، ولی بر اساس برآوردهای بانک جهانی در سال ۱۹۹۶ تنها یک سوم یارانه‌ی گندم به مصرف‌کنندگان واقعی رسید. از این رو، دولت یمن در راستای بهینه‌سازی یارانه‌ها مصمم گردید تا نرخ ارز ترجیحی، جایگزین یارانه‌های ارزی کشور جهت واردات شود و قرار شد تا در یک بازه‌ی زمانی ۵ ساله کل یارانه‌ها به صورت تدریجی حذف گردد (وزارت بازرگانی، ۱۳۸۷).

ایران از نظر تولید گوشت مرغ و تخم مرغ با تولید سالانه یک میلیون و دویست هزار تن گوشت مرغ و ۶۵۰ هزار تن تخم مرغ در کشور در فهرست تولیدکنندگان عمده طیور جهان رتبه بیستم را داراست، اما متأسفانه سهمی در بازار جهانی ندارد. صنعت مرغداری کشور با دارا بودن بیش از ۱۷۰۰۰ واحد فعال و مصرف سالانه حدود یک میلیارد و دویست لیتر معادل نفت گاز، یکی از بخش‌های مهم به لحاظ مصرف

سوخت می باشد. این در حالیست که مصرف سوخت در اغلب واحدهای مرغداری کشور بیش از ۸ برابر واحدهای مشابه در کشورهای اروپایی است (وزارت نیرو ۱۳۸۷).

در ایران مصرف سرانه ی گوشت مرغ در نقاط شهری از ۱۱/۹ کیلوگرم در سال ۱۳۸۰ به ۱۷/۴ کیلوگرم در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. همچنین، مصرف سرانه ی گوشت مرغ در نقاط روستایی از ۹/۶ کیلوگرم در سال ۱۳۸۰ به ۱۶/۶ کیلوگرم در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است (وزارت جهادکشاورزی، ۱۳۸۸). این آمار نشان می دهد که در رژیم غذایی خانوارها ی ایرانی گوشت مرغ به کالایی راهبرد ی تبدیل شده است. در ایران، تولید مرغ در سال ۱۳۸۷ ۱/۵۶ میلیون تن بوده است که نسبت به سال ۱۳۵۷ بیش از ۹ برابر رشد داشته است (وزارت جهادکشاورزی، ۱۳۸۸).

کشور ایران با تولید بیش از ۱/۱۵ تن گوشت مرغ در سال ۲۰۰۶ در رتبه ی یازدهم جهان قرار گرفته است، در حالی که در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ در رتبه ی نهم جهان قرار داشته است (فائو، ۲۰۰۹).

بر اساس آمار یاد شده و با توجه به افزایش چشمگیر تولید طی سال های گذشته و همچنین، رتبه-ی جهانی ایران مشخص می شود که سرمایه گذاری گسترده در این صنعت صورت گرفته است، ولی با توجه به تنزل رتبه ی جهانی ایران در سال ۲۰۰۶ نسبت به سال های پیش از آن، بنظر می رسد که در این بخش بهره برداری کارآمد و بهینه صورت نمی گیرد.

علیرغم کشورهای همسایه ای چون عربستان سعودی و روسیه که از بزرگ ترین واردکنندگان گوشت مرغ می باشند، به دلیل مشکلات مهم در این صنعت از جمله قیمت تمام شده ی بالا و غیر رقابتی، هنوز صادرات این محصول به صورت جدی و اساسی و به گونه ی مستمر انجام نشده است.

استفاده ی کارآمد و بهینه از عوامل تولید و امکانات موجود می تواند راهی برای افزایش تولید و کاهش قیمت تمام شده و در نتیجه ی آن افزایش توان رقابتی و صادراتی کشور باشد که این امر باعث

افزایش رفاه جامعه می شود. هدف گذاری برای افزایش کارایی، راهی مطمئن و با دوام برای افزایش تولید است. اگر یک واحد سازمانی بتواند با نهاده های ثابت، ستاده ای بیش تر و یا ستانده ی ثابت با نهاده ای کم تر تولید کند، آن واحد سازمانی از کارایی بالاتری برخوردار خواهد بود (کریمی تکانلو، ۱۳۸۱).

با توجه به مطالب گفته شده و با توجه به سیاست دولت که درصدد کاهش یارانه ها است و همچنین باتوجه به مطالعات و تجربیات صورت گرفته که نشان می دهد با کاهش یارانه قیمت سوخت به ۱۰ برابر قیمت فعلی افزایش خواهد یافت. در این مطالعه می خواهیم اثرات کاهش یارانه را بر هزینه تولید و سودآوری واحدهای مرغداری را مورد بررسی قرار دهیم. اهداف مطالعه به شرح زیر است:

#### **اهداف:**

۱. بررسی اثر کاهش یارانه انرژی بر میزان عرضه مرغ

۲. بررسی اثر کاهش یارانه انرژی بر میزان تقاضای نهاده ها در واحد های مرغداری استان فارس

۳. بررسی اثرات کاهش یارانه بر میزان تقاضای مرغ

#### **فرضیه ها:**

۱- کاهش یارانه انرژی بر میزان عرضه واحد های مرغداری تاثیر منفی دارد.

۲- کاهش یارانه انرژی بر تقاضای آن اثر منفی دارد.

۳- کاهش یارانه انرژی موجب افزایش قیمت و افزایش تقاضای مرغ می شود.

#### **مروری بر مطالعات:**

در ابتدا برخی از مطالعات که به تحلیل اثر حذف یارانه پرداخته اند، مرور شده است.



موسوی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی اثرات رفاهی حذف یارانه کود شیمیایی بر تولید کنندگان ذرت استان فارس پرداختند، نتایج این مطالعه نشان داد حذف یارانه کود شیمیایی به دلیل عدم حساسیت تقاضای کود شیمیایی نسبت به تغییرات قیمت آن، منجر به افزایش هزینه های تولید و کاهش سودآوری می شود.

نجفی و فرج زاده (۱۳۸۹) به ارزیابی آثار کاهش یارانه کود شیمیایی بر مصرف کنندگان گندم پرداختند. نتایج نشان داد که به دلیل عدم حساسیت مصرف کنندگان در برابر افزایش قیمت، افزایش هزینه ها به افزایش قیمت منتقل می شود. به گونه ای که با حذف کامل یارانه رفاه مصرف کننده کاهش می یابد.

شریفی و همکاران (۱۳۹۰)، اثرات تورمی ناشی از حذف یارانه حاملهای انرژی در ایران ارزیابی نمودند. نتایج حاکی از آن بود که افزایش قیمت حامل های انرژی بر هزینه تمامی بخشها اثر دارد؛ بگونه ای که این تاثیر در بخش های صنایع محصولات معدنی غیر فلزی، جنگلداری، و صنایع تولید فرآورده های نفتی بیشتر از سایر بخش ها به چشم می خورد و در میان حاملهای انرژی، اثرات تورمی افزایش قیمت برق بیش از سایر حاملهاست. افزایش قیمت حاملهای انرژی باعث تغییرات قابل ملاحظه در متغیرهای اقتصاد کلان مانند هزینه های مصرفی خصوصی، هزینه های مصرفی دولتی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، و صادرات می شود.

آخوند زاده و همکاران (۱۳۸۹)، آثار رفاهی تعدیل قیمت حاملهای انرژی (در بخش های حمل و نقل و مسکن ایران را بررسی نمودند). نتایج نشان داد تنوع حامل های انرژی در سبد انرژی، می تواند سبب کاهش جبران هزینه بالاتر، بیشتر است.

موسوی و طاهری (۱۳۸۹)، بررسی نقش انرژی در ارزش افزوده ی بخش کشاورزی در ایران پرداختند. نتایج تخمین تابع تولید نشان داد که انرژی بر تولید بخش کشاورزی اثر معنی دار دارد و ۱۰

درصد افزایش در مصرف انرژی بر ارزش افزوده ی بخش کشاورزی و زیر بخش های آن (به جز زیر بخش جنگلداری) اثر مثبت دارد، اما ارزش افزوده اثری بر مصرف انرژی ندارد. همچنین، یافته ها نشان داد که هر چند کاهش قیمت انرژی موجب افزایش شدت مصرف انرژی شده، اما رشد فناوری و جایگزینی نهاده های سرمایه و نیروی کار می تواند موجب کاهش شدت مصرف انرژی در بخش کشاورزی شود.

شاه مرادی و همکاران (۱۳۸۹)، اثرات ناشی از آزادسازی قیمت حامل های انرژی و بر رفاه خانوار و بودجه دولت را با استفاده از روش داده - ستانده بررسی نمود. در این پژوهش آثار افزایش قیمت حامل های انرژی بر قیمت کالاها و خدمات، رفاه دهک های درآمدی خانوارها و بودجه دولت را با استفاده از تحلیل های داده - ستانده سال ۱۳۸۳ بانک مرکزی مورد بررسی قرار دادند. یافته های این پژوهش نشان می دهد افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت تمامی حامل های انرژی باعث افزایش ۸ درصدی در شاخص بهای مصرف کنندگان شده و آزادسازی کامل قیمت حامل ها باعث افزایش ۱۰۸ درصدی در شاخص بهای مصرف کننده می شود.

در شرایط افزایش قیمت ۱۰۰ درصدی حامل ها، بیشترین افزایش قیمت ها مربوط به بخش حمل و نقل (با ۱۷ درصد افزایش) خواهد بود. همچنین، مشخص شد سناریوی مطرح برای افزایش قیمت های حامل های انرژی نیز باعث افزایش سطح قیمت ها به میزان ۲۹/۵۵ درصد خواهد شد. افزون بر این، بر اساس نتایج به دست آمده، مشخص گردید سیاست افزایش قیمت حامل های انرژی و کاهش یارانه پنهان پرداختی به این حامل ها (حتی با وجود جبران کاهش رفاه ناشی از این افزایش قیمت از سوی دولت برای جامعه) باعث کاهش کسری بودجه دولت می شود.

کفایی و صبوری کارخانه (۱۳۹۰)، آثار تورمی افزایش قیمت سوخت وسایل حمل و نقل جاده ای را ارزیابی نمودند. نتایج نشان داد که در سناریو اول با افزایش ۲۰۰ درصد قیمت بنزین، تورم بخش حمل و نقل جاده ای بار و مسافر به ترتیب ۶ و ۹ درصد و سطح عمومی قیمت ها نیز ۴/۳ درصد افزایش می یابند. در سناریو دوم با افزایش ۲۰۰ درصد قیمت گازوئیل، تورم در دو زیر بخش جاده ای بار و مسافر

۴/۲ و ۴/۵ درصد و تورم کل کشور هم ۲/۲ درصد زیاد می شود. بالاخره در سناریوی سوم با افزایش همزمان ۲۰۰ درصدی هر دو، زیر بخش های جاده ای بار و مسافر به ترتیب با تورمی معادل ۱۰/۲ و ۱۳/۵ درصد و کل کشور نیز (در نبود هر گونه تورم انتظاری) با تورم ۶/۵ درصد روبرو می شوند.

الیاسیان و حسینی(۱۳۷۵) به مطالعه آثار حذف یارانه نهاده های کشاورزی شامل کود شیمیایی، سموم دفع آفات، بذر، ماشین آلات و آب بر درآمد کشاورزان پرداختند. نتایج نشان داد که میزان سودآوری ۱ هکتار گندم آبی در سال زراعی ۷۱-۷۲ پس از آزاد سازی اقتصادی معادل دو برابر سال ۷۰-۷۱ پیش از آزاد سازی بوده است.

در مطالعه جبونی و سیئنی(۱۹۹۲) نیز مشخص شد حذف یارانه کود شیمیایی در غنا منجر به افزایش قیمت و کاهش مصرف آن شده است.

نتایج مطالعه ی اومامو و موس (۲۰۰۱) نیز که در مورد تجارت کود شیمیایی پس از آزادسازی در کنیا صورت گرفت، نشان داد که پس از آزاد سازی و بهبود وضعیت بازار، کارآیی مناطق دارای پتانسیل پایین بهبود می یابد.

نتایج مطالعه ی احمد (۱۹۹۵) نیز نشان داد که بنگلادش بدون اصلاح بازار ( آزاد سازی بازار نهاده ها) به وضعیت گذشته ی بحران غذایی و قیمت های بالای برنج برخواهد برگشت. یافته های مطالعه گریپراد و همکاران ( ۱۹۹۹) نشان داد که اثرات یارانه ی کود شیمیایی در مقایسه با پیامدهای آزاد سازی مثبت تر است.

همچنین مینوت و همکاران (۲۰۰۰) نیز عنوان کردند که پیامد آزادسازی بازار کود شیمیایی در کشورهای مالووی و بنین مثبت بوده و منجر به افزایش بکارگیری این نهاده شده است.

کریم زادگان و همکاران (۱۳۸۵) نیز نشان دادند که توزیع یارانه ی کود شیمیایی در تولید گندم موجب استفاده ی بی رویه و نابهینه از آن شده است. در ایران اغلب اثر تغییر یارانه بر تولید مورد بررسی

قرار گرفته و حال آن که در اثر تغییر تولید، مصرف کنندگان که گروهی بسیار گسترده تر از تولید کنندگان هستند، تحت تأثیر قرار خواهند گرفت و لازم است بر تأثیر آن روی مصرف کنندگان نیز تمرکز شود.

مطالعه ی پیرایی و اکبری مقدم (۱۳۸۴) از معدود مطالعات در زمینه کشاورزی است که به بررسی اثرات رفاهی کاهش یارانه های زیر بخش زراعت در ایران پرداختند. یافته های مطالعه ی آن ها نشان داد که کاهش یارانه ی این زیر بخش منجر به زیان رفاهی خانوارهای شهری و روستایی می شود.

طاهری و همکاران (۱۳۸۹) اثر حذف یارانه انرژی بر هزینه های تولید کلزا در شهرستان مرودشت را بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان می دهد افزایش استفاده از ماشین آلات، کود شیمیایی و آب موجب افزایش مصرف انرژی و افزایش مصرف سموم و نیروی کار موجب کاهش مصرف انرژی در تولید کلزا می گردد. همچنین نتایج نشان داد که کاهش یارانه انرژی باعث افزایش هزینه های تولید کلزا و کاهش سود آوری می شود.

ردی و دشیپاند (۱۹۹۲) به بررسی توام اثرات مثبت و منفی حذف یارانه کود شیمیایی در هند پرداختند. این مطالعه نشان داد که در مناطق دارای رشد بالا می توان یارانه کود شیمیایی را بتدریج کاهش داد، اما در مناطق با رشد پایین که میزان توزیع یارانه ای نیز در میان آنها پایین است، لازم است میزان یارانه افزایش یابد.

بهرامی (۱۳۸۱) با بررسی اثرات آزاد سازی کود و سم بر محصول گوجه فرنگی خراسان عنوان کرد با توجه به ناچیز بودن کشش قیمتی کود به نظر می رسد که با افزایش قیمت ها، کاهش شایان توجهی در مصرف نهاده ها ایجاد نمی شود.